وولی را هم اذن دادن بدون ملاحظهٔ
مصلحت طفل جایز نیست مسئله اگر
در مجالس فاتحه بطلبند و نوفاتحه بجهة خودنما
وریا یا بجهة آنکه مردم متنسّو بخوانی جایز و صحیح
نیست مگر تقیةً بخوانی یا بقصد ثواب از خدا
خواستن که بسیار خوبست مسئله
شخصی نماز نمیکند یا زنا میکند یا شراب میخورد
امّا حالش مخفی است بروز دادن و نشر دادن
جایز نیست مگر بی پروا و متجاهر باشد
مسئله متولّی وقف باید عادل باشد
و باید در جائی که باید عین منفعت موقوف
خرج مصرف شود و او را عوض و بدل نکند
و اگر ملی و امین نیست خود بقرض هم ندارد

مسئله

کتاب ابتدائی

دوره اول

چاپ سیم طهران

نگارش خادم وطن احمد بن محمد علی طهرانی

مختصر دستور العملی از برای معلمین که خارج طهران شده‌اند و ربط ندارند [illegible]

۱۸ شهر شعبان المعظم

حق طبع محفوظ

۱۳۲۸

ابتدائی موسوم بتعلیم الصبیان

مخفی نماناد که چون عقلای مملکت طریق تعلم مبتدیان را به سبک
قدیم مشکل و موجب تأخیر تعلیم دانسته لذا آن طریقه را
متروک و باسلوب سهل کتابها تألیف نموده که وسیلهٔ
ترقی معارف و اسباب سهولت کار مبتدیان گردد لهذا این
بنده هم درصدد برآمده همین کتاب را که محتوی بر دو جلد است
سال گذشته تألیف و طبع نموده معلمین محترم که عالم باین
سبک جدید اند وضع و ترتیب آنرا منصفانه سهل و ساده
و با مشرب اطفال موافق دیدند لهذا روز بروز مدارس
با اطفال و شب در مجالس باکابر تعلیم نموده و چه بسیار
از بیسوادان از همین معلمین خلیق در اندک مدتی که باشد
چه زحمت از همین کتاب صاحب سواد و چشمهان گرا بیند
و از ظلمت جهل باول مرتبه کمال رسانیده و جمعی نزدیک بر
کردن توشها الان وطن گذاشته و آنانکه از این کتاب باسواد

با سواد شده اند بلذا باید تسهیل تعلیم شیرین کام گشته و امیدوار
اینکه برای سایر کتب ابتدائی خوب یافته اند و بشارت باد
طالبان سواد را که هر گاه در شبانه روزی دو ساعت
وقت دارند آن دو ساعت عمر عزیز خود را تلف ننمایند
بقدر سه چهار روز از همین کتاب درس بخوانند البته با سواد
خواهند شد و معلمین را در کمال احترام عرض میکنم که در تدریس
تعلیمهای ذیل را خصوصاً در قصبکها هر صفحه را عموماً بنمایند مراعات
(اوّل) اینکه معلم در ابتداء درس تا متعلم خوب درس را
حفظ نکرده است بدرس دیگر شروع ننماید
(دوّم) متعلمین شب در خانه از پدر و مادر درس نگیرند
که اسباب اغتشاش حواس ایشان خواهد بود ..
(سیم) معلم در حروفات مقطعه دقت نماید که طفل حروفات
متشابهه را تمیز بدهد وضع و ترکیب هر یک را ذهنی نماید
(چهارم) حروفات مقطعه را همان صورتش را بشناسند
مکتفی است اسم آنرا الا لازم نیست که بی اول و بی وسط را بگویند
(پنجم) از کلمات سه حرفی و چهار حرفی دو یکشنه نمایند که املا را غلط
نویسند باین ترتیب که معلم بگوید همان کلمات را اطفالی که سابقاً
خوانده اند از خارج بنویسند و پس از نوشتن یکها را در لوح

بسم الله الرحمن الرحیم

ا ب پ ت ث

ج چ ح خ د ذ ر

ز ژ س ش ص ض

ط ظ ع غ ف ق ك

گ ل م ن و ه ی

َ ُ ً ٌ

ِ ٍ

معلم خیلی دقت نماید که حروفات خوب را طفل بشناسد بطوری
که ملکه اش شده باشد بعد فائده زبر و زیر و پیش را از جای مفصل
بگوید در صفحه مقابل دارد زیر بنهد ......

آ بَ پَ تَ ثَ

جَ چَ حَ خَ دَ ذَ

رَ زَ ژَ سَ شَ صَ

ضَ طَ ظَ عَ غَ

فَ قَ كَ گَ لَ مَ

نَ وَ هَ یَ

معلم ثه به په درس نمیدهد الف زبره که معمول
قدیم است درس نمیدهد که موجب زحمت طفل و تضییع وقت
و سعی نماید که حروف را با حرکه فتحه بشناسد بر خلاف ترتیب هم از متعلم بپرسد

اِ بِ پِ تِ ثِ

جِ چِ حِ خِ دِ ذِ

رِ زِ ژِ سِ شِ

صِ ضِ طِ ظِ عِ غِ

فِ قِ کِ گِ لِ مِ

نِ وِ هِ یِ

معلم بطریق مذکور درس بدهد و اگر سهو کرده باشد معلم
از همان حروفات بی حرکت حرف شناس شده است اینجا [illegible]
درس طفل همان اعرابست که بداند حرفیکه اعراب دارد چه قسم باید خواند

اُ بُ پُ تُ ثُ

جُ چُ حُ خُ دُ ذُ

رُ ژُ سُ شُ

صُ ضُ طُ ظُ عُ غُ

فُ قُ کُ گُ لُ مُ

نُ وُ هُ یُ

معلم هر درس بدهد و مشق هم باید از درسش بدهد
تفکر استعداد اطفال زیاد ترند هرکه باید با طفل مدارا و ملاحظه نماید

تصویر حسن آقا که خود معلم
ا ب پ ت

ا با پا تا ثا جا چا

حا خا دا ذا را زا

سا شا صا ضا طا

ظا عا غا فا قا کا گا لا

ما نا وا ها یا

چو این الفبا صورتها پیوند با الف یابد ـ ابو بار رحمت معلم نمند

که طوطی وار بخوانند هم بفرماید بنجر وقات بصد الفی

مقصود از ایراد این صفحه خواندن ابجد نیست بلکه امتحان حروفها میباشد اگرچه امتحان را معلم از خارج باید بنماید

اَ	بِ	جَ	دِ	پَ
هَ	وَ	زِ	حَ	گِ
حُ	طِ	یِ	ڎِ	سَ
لَ	لِ	مَ	نِ	ضُ
سَ	عَ	فِ	صَ	نُ
قَ	رِ	شَ	ثِ	مَ
ثَ	خِ	ذِ	یَ	ه
ضَ	ظِ	غَ		ـــ

اً باً پاً تاً ثاً جاً

چاً حاً خاً داً ذاً راً

زاً ژاً ساً شاً صاً ضاً

طاً ظاً عاً غاً فاً قاً

کاً گاً لاً ماً ناً واً

هاً یاً

معلم تَن بَن پَن درس بدهد به طفل بگوید تن دو زبر د
دو صدا هم میگویند اصلا تنوین الفها وسط دال که تکرار نگذاشته
باشد که خوب متعلم متوجه دیگر تنوین بمطالب را طفل ضبط نماید در جای

اِ بِ پِ تِ ثِ

جِ چِ حِ خِ دِ ذِ

رِ زِ ژِ سِ شِ

صِ ضِ طِ ظِ عِ

غِ فِ قِ کِ گِ

لِ مِ نِ وِ هِ یِ

معلم اِین بیِ و ضمنا کلمات جزم دار در صفحهٔ تخته بنویسد که ذهن
متعلم و یا طفل را خاطر عملیکه وسیلهٔ سهولت کار شود

اُ بُ پُ تُ ثُ

جُ چُ حُ خُ دُ ذُ

رُ زُ ژُ سُ شُ

صُ ضُ طُ ظُ عُ

غُ فُ قُ کُ گُ لُ مُ

نُ وُ هُ یُ

معلم اُن بُن پُن درس بدهد و هم بگوید که حرف جیم چه
الف باء مرکب نقطه و شکل اینها در زبان میگذارند

تصویر معلم که در صفحهٔ تخته مد و جزم و تشدید را نشان
معلم به بیان نمودن فائدهٔ جزم و تشدید مد را بطفل میکند

معلم قبل از درس دادن ابجد چهار کلمهٔ دو حرفی و سه حرفی جزءدار
از قبیل گربه و کتاب و کفش و خوابیدن که آسان باشد روی تخته بنویسد
که ذهن مبتدی مأنوس خواندن شود و میل کند

اَ بْ جَ دُ هَ وَّ زْ

حُ طِّ یْ کَ لْ مَ نْ

سَ عُ فَ صْ قَ رْ شَ تْ

ثَ خَ ذُ ضَ ظِّ غْ

چون در طبقهٔ نگاشته شده است که تماماً مصوّر و اشکال حروف را بنویسند
لهذا در اینجا اکتفا کرده شد جناب معلّم در درس دادن بعضی را دون بعض
مختار است و بهتر آن است که تمام اشکال حروف را درس بدهد

معلم بطفل بفرماید که تاکنون آنچه خوانده اید الفبای مفرد بود
واین الفبای الف بائی است که در حالت اتصال است بخوانید وضع
وترکیب هریک را بخوبی در نظر داشته باشید که در موقع خواندن
کلمات خیلی بکار می آید و اسباب پیشرفت کار میشود

ا	ـا لا ـا ـه
ب	بـ ـبـ بـ ـبـ ـب
پ	پـ ـپـ پـ ـپـ ـپ
ت	تـ ـتـ تـ ـتـ ـت
ث	ثـ ـثـ ثـ ـثـ ـث
ج	جـ ـجـ ـجـ ـج
چ	چـ ـچـ ـچـ ـچ

ح	حـ	ـحـ	ـحـ	ـح
خ	خـ	ـخـ	ـخـ	ـخ
د	د	ـد	ـد	
ذ	ذ	ـذ	ـذ	
ر		ر	ـر	
ز		ز	ـز	
ژ		ژ	ـژ	
س	سـ	ـسـ	ـس	

ش	شـ	ـشـ	ـش
ص	صـ	ـصـ	ـص
ض	ضـ	ـضـ	ـض
ط	ـط	ظ	ـظ
ع	عـ	ـعـ	ـع
غ	غـ	ـغـ	ـغ
ف	فـ	ـفـ	ـف
ق	قـ	ـقـ	ـق

مُعلّم بطفل بگوید که زبر را یک صدا بالا هم میگویند
و هرگاه یک صدا بالا با جزم جمع شود باین قسم تلفظ میشود

آوْ بَوْ پَوْ تَوْ ثَوْ جَوْ

چَوْ حَوْ خَوْ دَوْ ذَوْ

رَوْ زَوْ سَوْ شَوْ

صَوْ ضَوْ طَوْ ظَوْ

عَوْ غَوْ فَوْ قَوْ کَوْ گَوْ

لَوْ مَوْ نَوْ وَوْ

هَوْ یَوْ

معلم میفرماید که هرگاه یک صدا با پیش با جزم به جمع شود

ای بی پی تی ثی

جی چی حی خی دی

ذی ری زی

سی شی صی ضی

طی ظی عی غی فی

قی کی گی لی می نی

وی هی یی

اُو بُو پُو تُو ثُو جُو

چُو حُو خُو دُو ذُو

رُو زُو ژُو سُو شُو

صُو ضُو طُو ظُو عُو غُو

فُو قُو کُو گُو لُو مُو

نُو وُو هُو یُو

تمام حروفات مقطعه را که طفل خوانده در صفحه پشت
کلمه کلمه با اعراب نوشته شده است معلم درس بدهد بعد
استعداد طفل که با ذوق بخواند و کسل نشود

تصویر مدرسه عفتیه و زهرا خانم که درس میخوانند

درس اول

اَدَب آنار آب

آش آفتاب آلو آهو

آنگور آب نبات اَنجیر

آجیل

درسِ دوم

بَرّه بچّه بَقّال بَنّاء

بازی بلبل بَرادَر

باران باقر باروط

درس سیم

پارو پنیر پسر پدر

پارچه پُر پیر پروانه

پلو پیش پشت

درس چهارم

تَرکه تهه تاجر

تازی توت تخته

تُرک تبر تاک

ترازو تنور ترنج

تفنگ تنگ تگرگ

درس پنجم

ثور ثابت ثبات ثعلب

ثقیل ثابت ثواب ثالث

ثروت ثبات ثنا ثانی

درس ششم

جوجه جادو جو

جوراب جوز جیب

جهان جهاز جهت

جوش جہنم جبیں

جلب جام جامہ

درسِ ہفتم

چاقو چادر چرب

چاہ چیت چراغ چق

چوب چلو چرکہ چینی

چابی چپ چارہ

درسِ ہشتم

حرکت حیوان حرام

حلال حافظ حزن

حوری حوض حلوا

حلبی حوله حباب

درس نهم

خیّاط خیار خرّاط

خرابه خرّازی خانه

خروس خرگوش خنک

خرچنگ خربوزه

خواهر خرج خشت

درس دهم

دَهَن دَرْد دارُو

دُولاب دَرْوازه

دِیرُوز دَوْلَت داد

دَوات دَشْت دام

درس یازدهم

دُغال ذیقَعْدَه ذیحَجّه

رِبا رَعیَّت رَعایَت

رُوزَه رُوباه رُوز

رِیزَه رُودْخانه

دَرسِ دَوازدَهُم

زَنبُور زارِع زاغ

زَعفِران زَنگ زیرَه

زیرَک زِرِشک زالو

زیتُون زَنجَبیل

دَرسِ سیزدَهُم

ژولیدَه ژاپُون

سَرباز ساعَت سَرما

سَماوَر سَنجاب سِرکَه

سَرداب سیب سیر

تصویر معلم در اطاق کلاس و اطفال که دیکته مینویسند

درس چهاردهم

شتر شربت شغال شیر

شکل شکر شریك

شاطر شیره شوربا

درس پانزدهم

صیاد صراف صابر

صادق صحبت صحت

صباح صبح صبر

درس شانزدهم

ضراب ضیاء ضرب

ضارب ضوء ضرر

ضَمَانَت ضَامِن

دَرسِ ہِفدَہُم

طَبلْ طَبِیبْ طَیِّبْ

طُوبیٰ طَشتْ طُوطی

طِبّ طَوقْ طُوفان

دَرسِ ہِجدَہُم

ظَرفْ ظَرِیفْ ظَفَر

ظاہِر ظُہُر ظالِم ظُلمَت

ظِلّ ظُہُر

دَرسِ نُوزدَہُم

عاقِل عادِل عالِم عابِد

عَاشِر عَلَف عَدُو عَقَل
عَکس عُقَاب عَرُوسَک عَجَلَه
عُمر عَمَل عِزَّت عَزِیز

درسِ بیستم

غَزَال غُرُوب غُلَام
غَفلَت غُنچَه غَیرَت
غَیُور غَالِب غُرُور

درسِ بیست و یکم

فَرَس فَارِس فَارسِی
فَرش فَرَّاش فَلَکَه

فیل فریدون فرہاد
فَلَک فراست فرانسہ
فوج فالج فاعِل

درسِ بست و دوم

قَصّاب قُفل قراول
فراق قلمزن قاضی
قَلَمدان قَند قورمہ

درسِ بست و سوم

کباب کِتاب کاسہ
کوزہ کبوتر کَلک

کاغذ کلام کمک کلک
گربه گله گوساله کاف
گلاب گلیم گرگ گوجه

درس بیست و چهارم

لاله لگن لوبیا لامپا
لباده لوث لجن لوله
لون لیمو لیموناد

درس بیست و پنجم

مگس مورچه مار
ماهی مرغ مجمعه

درس بیست و ششم

میز مَلَخ مُبل مایل

مِقراض میخواهد مبل

میخواند میخواهد میرود

میخورد میاید میبرد

درس بیست و هفتم

نَمَک ناهار نَردِبان

نانوا نان نَدارَد نایب

نارَنج نارَنگی نخود

درس بیست و هشتم

وَلایَت وَلِی وَطْواط
وَسْواس وَطَن وَکیل
وَزیر وِراثَت وَانَّک

درس بیست و نهم

هَرَم هیزُم هَرزه هُلو
هَشتاد هَشتصد هَزار
هُدهُد هَرات هَشتَر
هارون هابیل
هادی هَدایَت

درس سی ام

یدک یاقوت یونان

یوسف یعقوب

یزد یخچال یقین

یسار یزید یراق یازده

معلم بعد از فراغت از این صفحات ایام هفته را
درس بدهد باین طریق بگوید که هفته هفت روز است
و روز اول آن شنبه است باین ترتیب

شنبه یکشنبه دوشنبه سه‌شنبه

چهارشنبه پنجشنبه جمعه

معلم میفرماید که ماههای عربی دوازده میباشد واول آن از محرم است باین ترتیب .....

مُحَرَّمُ الحَرامُ	صَفَرِ المُظَفَّرْ
رَبیعُ الاَوَّلْ	رَبیعُ الثّانی
جَمادِی الاَوَّلْ	جَمادِی الثّانی
رَجَبِ المُرَجَّبْ	شَعبانِ المُعَظَّمْ
رَمَضانِ المُبارَکْ	شَوّالِ المُکَرَّمْ
ذیقَعدَة الحَرامْ	ذیحِجَّة الحَرامْ

معلم میفرماید که این دوازده ماه یکسال است و ماههای شمسی هم دوازده است و اول آن از عید است که اول بهار باشد باین اسامی
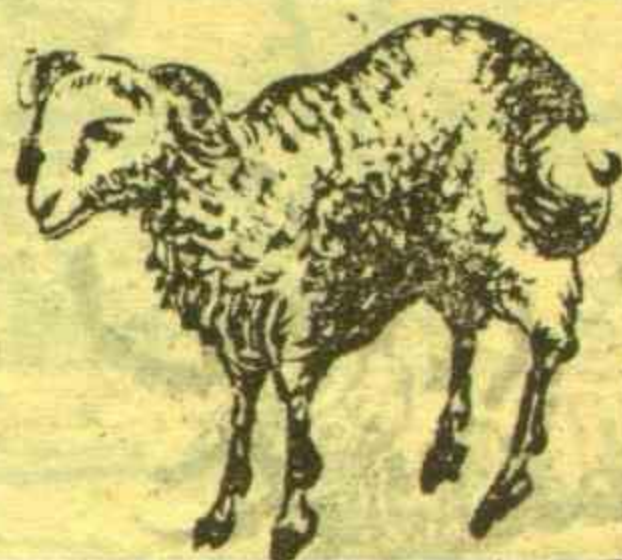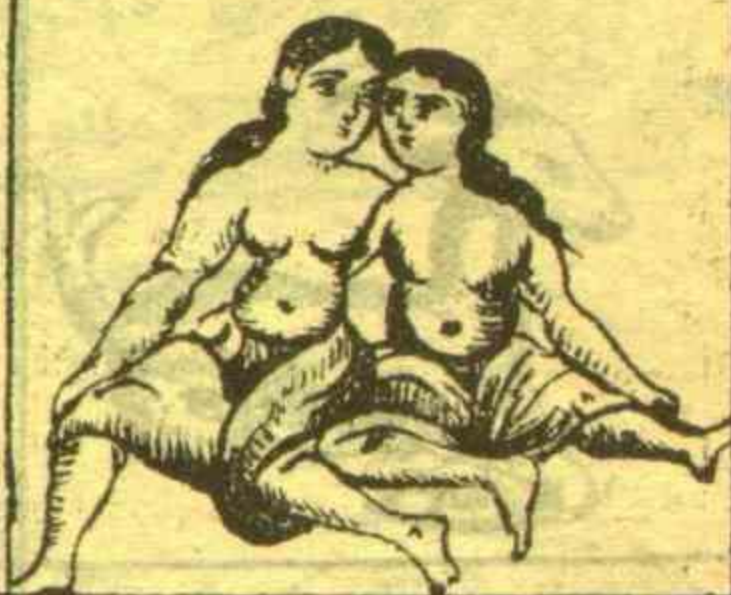
حمل بره
ثور گاو
جوزا دوپیکر
سرطان خرچنگ
اسد شیر
سنبله خوشه

میزان ترازو
عقرب
قوس کمان
جدی بزغاله
دلو دول
حوت ماهی
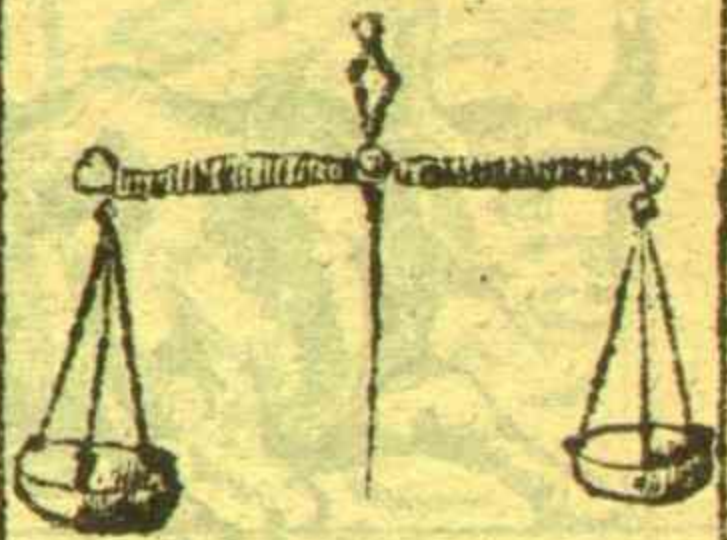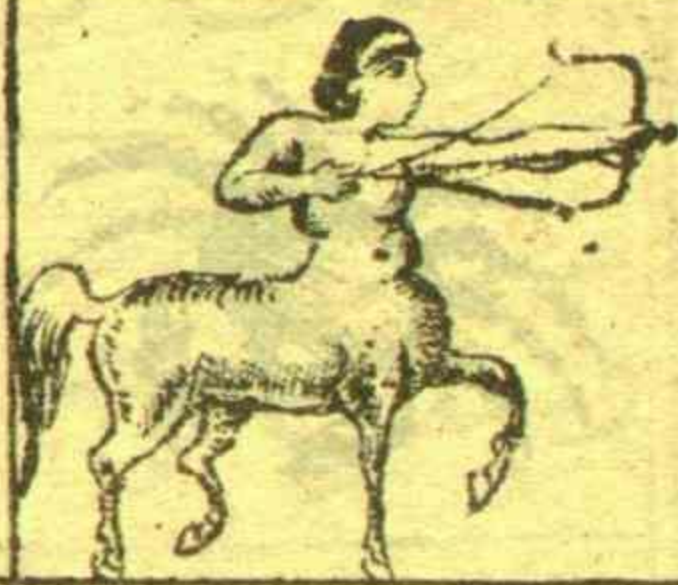
مرغ بجوجه‌اش دانه میدهد
گوسفند با بره‌اش گردش میکند
طاوس پر باز کرده
کبوترها آب میخورند
این بچه بمرغ نان میدهد
گربه با بچه‌هایش بازی میکند
این بچه درس میخواند
این بچه مشق میکند

بلبل چه‌چه میزند	ماهی در آب شنا میکند
این جوان هیزم میشکند	این درخت گلابی دارد
پلنگ حیوان درنده است	موش حیوان موذیست
این دختر خیاطی میکند	این دختر قلابه میزند

شمارهٔ اعداد		
یک	دو	سه
چهار	پنج	شش
هفت	هشت	نه
ده	یازده	دوازده
سیزده	چهارده	پانزده
شانزده	هفده	هیجده
نوزده	بیست	بیست و یک
بیست و دو	بیست و سه	بیست و چهار

بیست و پنج	بیست و شش
بیست و هفت	بیست و هشت
بیست و نه	سی
سی و یک	سی و دو
سی و سه	سی و چهار
سی و پنج	سی و شش
سی و هفت	سی و هشت
سی و نه	چهل

چہل و یک	چہل و دو
چہل و سہ	چہل و چہار
چہل و پنج	چہل و شش
چہل و ہفت	چہل و ہشت
چہل و نہ	پنجاہ
شصت	ہفتاد
ہشتاد	نود

	صد	

مُعَلِّم بَعد اَز شُمارهٔ اَعداد اِین
چَند صَفحه رَا کِه نِوِشته شُده اَست
دَرس بِدَهَد تا طِفل کَم کَم
چَشمَش بِخَطِ بی اِعراب آشنا
شَوَد وَ قاعِده بِدَستَش بِیایَد

اِین جوان مَعقول اِسمَش حَسَن
آقا اَست وَ بَچّهٔ خوبیست پِدَر
وَ مادَرَش اُو را خیلی
دُوست میدارَند اِمروز
بیست رُوز اَست کِه بِمَدرَسه

میرود و کتاب ابتدائی را که و

سوم بتعلیم الصبیان است تا

نصف اول خوانده است و

امشب کتابش را خدمت آقایش میخواند

چون خیلی خوب درس خوانده است

از آقایش توقع انعام دارد دیر

حسین آقا هم عهد کرده است که فردا

یکدانه بره سیاه خوب برای او

بخرد که روزهای جمعه با او بازی کند

تصویر حسن آقا که مشقش را بآقایش نشان میدهد

حَسَن آقا کِه بَرادَرِ بُزُرگتَر است خوب
مَشق کَردِه است وَ خوب خط مینویسد
او هَم مَشقِ خودَش را آوَردِه خِدمَت
آقایَش نِشان میدَهد چون آقایَش
می بیند کِه خوب نِوِشتِه بِاو
هَم یَک قَلَمدانِ خیلی خوب اِنعام
میدَهد حَسَن آقا هَم دو دَستی
قَلَمدان را بَر میدارد وَ با قایَش
تَعظیم میکُنَد وَ میرَوَد بِاطاقِ
خودَش مَشغولِ مَشق کَردَن
میشَوَد وَ حَسَن آقا هَم خوب

بَچّه اینْ هَر بَچّه کِه بِمَدرِسه
بِرَوَد و دَرْسَش بِخُوانَد وَخُوب
مَشْق کُنَد خیلی خُوبَسْت وَهَمه
کَس اُورا دُوسْت میدارَد وَ
اَز بَرایِ اُو پِدَر وَمادَر چیزهای
خُوب میخَرَند وَمُعَلِّمینِ مَدرِسه
هَم اُورا خیلی دُوسْت میدارَند
اَمّا هَر بَچّه کِه خُوب دَرْسَش را
نَخْوانَد وَحاضِر نَکُنَد آن بیچارَه
بایَد مِیانِ تَمامِ بَچّهایِ مَدرِسه
کِه بالایِ نیمکَت نِشَسْتَه اَند سَرِ پا

بِایِستَند وَ خِجالَت بِکَشَند وَ دَرنَظَرِ
رَفیقُ هَم دَرسْهایَش خوار وَ خَفیف
باشَد آقا رِضا خان کِه یَکی اَز
هَمدَرسْهایِ ماسْت وَ با ما دَر
یَک اُطاق اَسْت دیرُوز کِه رُوزِ
چَهارشَنبَه بُود دَرسَش را خُوب
رَوان نَکَردَه بُود وَ مَشقَش را هَم
سَعی نَکَردَه بُود کِه خُوب بِنِویسَد
مُعَلِّم مان هَم اُو را تَنبیه کَرد فَرمُود
یَکساعَت دَرسَرِ پا بایِستَد اِین
بَدبَخت هَم بِقَدرِ یَک ساعَت

سر پا ایستاد از خجالت خیس عرق
شد و رو پیش نمیشد که ما را
نگاه کند همه‌اش زمین را نگاه
میکرد هر بچه که خوب درس
نخواند یا خوب مشق نکند همین
تنبیه را در حق او میکنند آخر الامر
خان ناظم ما تشریف آورده از
معلم مان خواهش کرد تا از سر
تقصیر او درگذشت و شرط کرد
که بعد از این هم خوب درس بخواند
و هم خوب مشق کند.

این جوان با ادب اسمش آقا
محمد علی است خیلی جوان معقول
خوبیست هر روز صبح پیش از
آفتاب از خواب بر میخیزد
وضو میگیرد و نماز میخواند و
خدمت آقایش میرود سلام
میدهد بیک وضع خوشی با
خانمش رفتار میکند و هر وقت
موقع مدرسه رفتن او میشود
خودش میرود و از روی ساعت
اطاقشان وقت مدرسه

رَفتَن رَا خُودَش مِیدَانَد وَتَمَام
مَرْدُم آزَا تَامُحَمَّد عَلِی دَرتَعَجُّب اَنْد
کِه هَرْوَقت کِه بُزُرکتَرْ اَزْ خُودَش
مِیرَسَد سَلَام مِیکُنَد وَخَیْلِی
بَا اَدَب وَسَنْکِین مِی بَاشَد
هَرکِز هِیچ کَسْ حَرْفِ بَدْ بَزَدْ ه
وَفُحْش نَمِیدَهد وَهَرْوَقت کِه
نُوکَرِشَانْرَا هَم صِدَا مِیکُنَد
بِطُورِی صِدَا مِیکُنَدکِه اَدمِشَان
هَم بَدَش نَیَایَد فُضُول هَم اَبْدَاً
نِیسْت تَاحَرْفِی رَا آزَاو نَپُرسَنْد

جواب نمیدهد و خیلی هم از بچه
دله و فضول بدش میاید همه
عالم از بچهٔ دله و فضول بدشان
میاید و هیچ کس آدم فضول را
دوست نمیدارد بچهٔ خوب آنست
که حرف شنو باشد و پاکیزه با
شد و شیطانی نکند و
در میان کوچه بی جهت نایستد
و با بچهای بد رفیق نشود
و حرفهای سبک هرگز
نگوید و بکسی تو نگوید

تا معلّم و آقایش آن بچّه را
خیلی دوست بدارند
معلّم میفرماید که شما چون
خطّ قرآن را خوب میتوانید
بخوانید پس حالا لازم
است که نماز را بخوانید
و ترتیب آن را بدانید و
حفظ کنید ....
بدانید که خداوند تعالی
بر هر یک از بندگانش در
شبانه روز هفده رکعت

نَمَاز وَاجِب كَرْدَه اَسْت كِه دَر
پَنج وَقْت بِخْوَانَنْد چَهَار
رَكْعَت ظُهْر وَچَهَار رَكْعَت
عَصْر وَسِه رَكْعَت مَغْرِب
وَچَهَار رَكْعَت عِشَا وَدُو
رَكْعَت صُبْح وَاِين نَمَازْهَا
وَاجِبَات وَمُسْتَحَبَّاتِي دَارَد
كِه تَمَامًا بَعْد دَر كِتَابِ
شَرْعِيَّات مِيخْوَانِيد وَحَالَا
هَمَان صُورَتِ نَمَاز رَا بِخْوَانِيد
وَحِفْظ كُنِيد ۔ اَز جُمْلَه

واجبات نماز وضو است
که نماز بی وضو باطل است
و پیش از نماز باید وضو گرفت
باین ترتیب که اوّل دست را
بشوئی بعد صورت را و بعد
ان دست راست را از
مرفق تا سر انگشتان و بعد
دست چپ را از مرفق تا
سر انگشتان میشوئی و پس
از دو دست مسح سر را میکشی
و مسح دو پا را هم میکشی

اذوقت رو بقبله میایستد
و اقامه میگوید باین طور
دو مرتبه اللّٰه اکبر دو مرتبه
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه
دو مرتبه اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰه
عَلَیهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمْ یکمرتبه
اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّ اللّٰهِ

دو مرتبہ حیّ علی الصّلوٰۃ

دو مرتبہ حیّ علی الفلاح

دو مرتبہ حیّ علی خیر العمل

دو مرتبہ قد قامت الصّلوٰۃ

دو مرتبہ اللہ اکبر یکمرتبہ

لا الٰہ الّا اللہ این بود

ترتیب گفتن اقامہ وبعد

اذان نیّت نماز را باید کرد

بانیطور که دودست را

بلند میکنی تا محاذی گوشها

و میگوئی چهار رکعت نماز

ظهر واجب بجا میاورم

قربة الی الله تعالی الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

الرحمن الرحیم مالک یوم

الدین ایاک نعبد و
ایاک نستعین اهدنا
الصراط المستقیم صراط
الذین انعمت علیهم
غیر المغضوب علیهم
ولا الضالین

بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله احد الله

الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
اَحَدٌ
پس خم میشوی و دو کفِ
دست را بر سر زانو بگذاری و میگوی
سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَ
بِحَمْدِهِ پس راست میایستی
و میگوی سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

اَللهُ اَکْبَرُ

پَسْ بِرَوْ بِسَجْدَهْ وَبِگُو

سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلیٰ وَبِحَمْدِهِ

پَسْ سَرْ اَزْ سَجْدَهْ بَرْدَارْ وَبِگُو

اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ

اِلَیْهِ بِرَوْ بِسَجْدَهْ وَبِگُو

سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلیٰ وَبِحَمْدِهِ

پَسْ بَرْخِیزْ وَبِگُو بِحَوْلِ اللهِ

وَقُوَّتِہٖ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ

بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مَالِكِ یَوْمِ

الدِّیْنِ اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ

اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ اِهْدِنَا

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ صِرَاطَ الَّ

ذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضَّآلِّيْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اِنَّا اَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ اِنَّ

شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ

دو دست وا محاذی صورت

بگیرو بگو ربّ زدنی

عِلماً وَالحِقني بِالصّالِحِين

اِلٰهي عامِلنا بِفَضلِكَ

وَلاتُعامِلنا بِعَدلِكَ يا

كَريمُ بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ

الرّاحِمِينَ

پَس مُروي بِرُكوع وَسكو

سُبحانَ رَبِّيَ العَظيم وَ

بِحَمدِهِ بَس بايَست دي بِگو

تصویر حسن آقا که نماز جماعت میخواند

سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ اَللّٰهُ اَکْبَر

دُو دَفْعَه مِیرَوِی بِسَجْدَه وَ

مِیکُوئِی سُبْحَانَ رَبِّیَ

الْاَعْلٰی وَ بِحَمْدِهِ سَر بَرْدَار

وَبِکُو اَللّٰهُ اَکْبَر اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

رَبِّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ وَبِرَوْ بِسُجُود

وَدَرْ سَجْدَه بِکُو سُبْحَانَ رَبِّیَ

الْاَعْلٰی وَ بِحَمْدِهِ سَر بَرْدَار وَ

بکو اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه

وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَ

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ

وَ رَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ بلند

شو و بایِسْت وَ سِینه مربند بِکو

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَر

مِیرَوِی بِرُکُوعْ ذِکْرِ رُکُوعْ رَا بِگُو
وَمِیایستی وَمِیرَوِی بِسَجْدَه
وَدَرْسَجْدَه مِیگُوئِی سُبْحَانَ
رَبِّیَ الْاَعْلیٰ وَبِحَمْدِه سَرْ
بَرْدَارْ وَبِنْشِینْ وَبَازْبِرَوْ
بِسَجْدَه وَبِگُوْ سُبْحَانَ رَبِّیَ
الْاَعْلیٰ وَبِحَمْدِه
سَرْبَرْدَارْ وَبُلَنْدْ شَوْ وَدُعَا

بَرخواستَن بِگو بِحَولِ اللهِ وَ

قُوَّتِهٖ اَقُومُ وَاَقعُد

بَایِست وَسِہ مَرتَبَہ بِگو سُبحانَ

اللهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا

اللهُ وَاللهُ اَکبَر بِرَو

رُکُوع وَبِگو سُبحانَ رَبِّیَ

العَظِیم وَبِحَمدِهٖ بَایِست وَبِگو

سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَهٗ اَللهُ اَکبَر

میروی بسجود دو دفعہ
و میکوئی سُبحان رَبِّیَ
الاعلیٰ وَ بِحَمدِہٖ سر برداشتہ
و بِکو اَشهَدُ اَن لا اِلٰهَ اِلاَّ
اللهُ وَحدَهُ لاشَرِیکَ لَهُ
وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ
وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّد

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ
عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ
اللّٰهِ الصَّالِحِيْنَ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ
وَبَرَكَاتُهُ

اِيْن صُوْرَتِ چَهَار رَكْعَتِي
نَمَازِ ظُهْر بُوْد نَمَازِ عَصْر

وَعِشا هم همین طور است
فقط نیّت فرق دارد
وتعقیباتِ نماز بسیار است
همین یک تعقیب کفایت میکند
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
مِنْ كُلِّ خَیْرٍ اَحاطَ بِهِ
عِلْمُكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ
كُلِّ شَرٍّ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ

عافِیَتَكَ فی اُمُوری كُلِّها

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْیِ

الدُّنْیا وَعَذابِ الآخِرَةِ

بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

حَسَن آقا كِه بَچِّهٔ خُوبیست و

خُوب دَرس میخُوانَد اُصُولِ

الدّین را كِه واجِب است

دانستن آن دیروز از معلم درس
گرفته است و دیشب حفظ
کرده است امروز در اطاق
کلاس ابتدائی خدمت معلم
اینطور پس داده و یک بلیط
ده آفرین از معلم گرفته است

اصول الدین پنج است

اول توحید یعنی خدا یکیست
و دو نیست دوم عدل یعنی
خداوند تعالی عادلست و
ظالم نیست سوم نبوت یعنی

پیغمبر ما محمد بن عبد الله صلی
الله علیه و آله و سلم ختم
پیغمبرانست و بعد از آن بزرگوار
پیغمبری نخواهد آمد چهارم
امامت یعنی یازده امام
ما که بر حسب ظاهر از دنیا
رفته اند وصی و
جانشین پیغمبر بوده اند
و امام دوازدهم ما که حجت
روی زمین است زنده است
و غایب است و ان شاء الله ظاهر

خواهد شد و دنیا را پر از
عدل خواهد کرد پنجم معاد
یعنی در روز قیامت خدا
ما را زنده خواهد کرد از
برای حساب پس اگر بد کنیم
ما در این دنیا در آن روز ما را
بجهنم خواهند برد و اگر
خوب کنیم و بمردم احسان کنیم
اطاعت امر خدا را کنیم آن روز
ما را ببهشت خواهند برد
معلم میفرماید که امامها دوازده اند

اول	علیؑ بن ابی طالب ؑ
دوم	امام حسن علیہ السلام
سیم	امام حسین علیہ السلام
چہارم	امام زین العابدین ؑ
پنجم	امام محمد باقر علیہ السلام
ششم	امام جعفر صادق ؑ
ہفتم	امام موسیٰ کاظم ؑ
ہشتم	امام رضا علیہ السلام
نہم	امام محمد تقی علیہ السلام
دہم	امام علی النقی علیہ السلام
یازدہم	امام حسن عسکری ؑ

دوازدهم حجت عصر امام مهدی علیه السلام

و فروع الدین هشت

اول نماز دوم روزه سیم خمس چهارم زکوة پنجم حج ششم جهاد هفتم امر بمعروف هشتم نهی از منکر و این فروع الدین تمام بهر کس واجب خواهد بود اما با شرایطش

امروز که روز جمعه است شاگردهای مدرسه مبارکه تو کل در رضا

حسن آقا مع مهمانانش در لب باغچه نشسته اند

وحسن آقا از برای دقیقهایش
نطق میکند بدانید که ما اطفال
باید حرف شنو وبا وقار باشیم
و پدر و مادر و معلمان را دوست و
محترم بداریم هرچه بما امر
میکنند باید اطاعت کنیم و بر ما
لازم است که اینها را دعا کنیم
بجهت اینکه تمام اوقات خودشانرا
صرف آسایش ما میکنند و زحمت
میکشند که ما راحت باشیم و ما را
بمدرسه گذارده اند که تحصیل علم کنیم

عالم شویم وچون معلمین خیلی
خلیق اند و بما علم میاموزند بر ما
واجب است که متشکر از معلمین مان
باشیم و بر ایشان دعا کنیم و معلمین
مانرا باید خیلی دوست و محترم
بداریم چون معلمین حق پدری
بگردن ما دارند حق ایشانرا
ما نباید فراموش کنیم وچون
طبیب امراض ما هستند پس بر ما
واجب است که حرف ایشانرا بشنویم
ونصایحشانرا عمل کنیم که خیرخواهان

ما هستند و این مکان باین خوبی را
از برای تربیت ما حاضر و فراهم
کرده اند و اطاقها را میز و صندلی
و تخت گذارده اند و از برای ما خدمت
گذار آورده اند که بما خوش بگذرد و
در کمال خوشی جمع درس بخوانیم و اگر
در اطاق درس تشنه‌مان بشود خدمت
گذاران مدرسه فوراً آب با کاسه
تمیز و پاکیزه دو دستی بما میدهند
پس ما باید شکر کنیم خدا را که چنان
خوب و باصفات معلم و خوش خلق

و مهربان هم داریم و مدرسه بما ن همه
اسانست هر روز هم دو مرتبه برای ما
تفریح و گردش در حیاط مدرسه
لب با غنچه ها فراهم داده اند که ازادانه
گردش کنیم و هیچ قسم زحمت و دلتنگی
از برای ما نیست و همه نوع راحتی از برای
ما فراهم است تمت المجلد الاول من کتاب
تعلیم الصبیان بعون الملک المنان و
اینک شروع میشود بجلد دوم و اینکتاب که بخط

کتابی نوشته شده اثر قلم حاجی الله بکمهر او محل فروش
بازار حلبی سازها دکان میرزا احمد کتابفروش ١٣٢